

پیکتورالیسم

داریوش محمدخانی



۱- اولین عکس جهان.
ژوزف نیسفور نیپس، ۱۸۲۷.

پنجرهٔ یک ساختمان قدیمی در گراس انگلستان از صبح تا بعدازظهر باز بود این اتفاق در ۱۸۲۸ در خانهٔ مردی مخترع و مبتکر انجام می‌شد که دعوی کشف وسیله‌ای برای چاپ (لیتوگرافی) بود اما پدیده‌ای شگرف‌تر را به جهان تصویر عرضه داشت نام او ژوزف نیسفور نیپس^۱ بود، اولین عکس جهان به مدت ۸ ساعت نوردهی به دست آمد (عکس شماره ۱). تصویر به دست آمده کبوترخانه‌ای کنار راه آهن را نشان می‌دهد.

اولین شکار ۸ ساعته^۲ ((کمرا)) یا اتاق تاریک، راه سلوک بسیاری از افراد که نام هنرمندان عکاس را به خود گرفته‌اند را باز نمود و تحولی در همهٔ هنرها به وجود آورد تحولی که منجر به کشف و اختراع سینما، تلویزیون، کامپیوتر و ماهواره و غیره شد. و باعث خطدهی به هنر جهان شمول نقاشی به سمت و سوی هنر مدرنیسم و زیرشاخه‌های آن گردید.

شاید نیپس هرگز تصور آن را نداشت که روزی، اختراعش در شناسایی هویت تک‌تک افراد کمک بسیاری را انجام دهد و یا حتی روزی برسد که در هر خانواده یک آلبوم یادگاری عکس، از فامیل‌های دور و نزدیک و یا دوران‌های مختلف زندگی شخصی یک نفر در یک مجموعه جمع گردد.

مردم امروزه چه فقیر و چه غنی در هر پست و مقامی که کار می‌کنند، عکس را عامل ایجاد ارتباط و تجدید خاطرات گذشته، تشخیص هویت (در شناسنامه) و یا تبلیغ فلان کالا و غیره را به خوبی می‌شناسند، اما نمی‌دانند که سرگذشت عکس و عکاسی، سرگذشتی پرفراز و نشیب بوده است.

دوران اولیه عکاسی از سال ۱۸۲۰ تا ۱۹۲۰ دوران تصویرگرایی عکس است دورانی که در آن عکاسان، بسیار کوشیدند تا نام عکاسی را در کنار هنرهای دیگر چون



۲- پوزتیو و نگاتیو. کالونوتایپ.
از لاکوک ابی. ویلیام هنری فوکس
تالبوت. ۱۸۴۳.

نقاشی، تئاتر، مجسمه سازی، رقص و موسیقی قرار دهند.

در این مقاله به تفسیر و نقد یکی از ویژگی‌های مهم عکس‌ها در سال‌های (۱۹۲۰-۱۸۳۰) می‌پردازیم. از آنجایی که نمی‌توان مانند نقاشی و یا تئاتر و یا ادبیات، برای عکاسی سبک و یا مکتبی قایل شد، به ناچار تعدادی از عکاسان که شیوه خاصی در عکاسی داشته‌اند را انتخاب و در رده تصویرگرایان یا پیکتورالیسم قرار می‌دهیم و راجع به آثارشان به بحث می‌پردازیم.

عکس‌های این مقاله از میان تعداد بی‌شماری عکس انتخاب شده است که، شاخص تاریخ عکاسی جهان هستند و یا اگر شاخص نیستند در جهت رفع مشکل فهم مطالب تهیه شده‌اند.

پیکتورالیسم Pictorialism

واژه Pictorial به معنی تصویری، وابسته به نقاشی در رده (هنرهای تصویری) است، این واژه در عکاسی به گروهی اطلاق می‌شود، که عکس‌هایی شبیه به نقاشی را به جامعه عرضه می‌داشتند.

((عکاسی ابتدایی))^۳ شدیداً تحت تاثیر تصویرگرایی نقاشی قرار گرفت، اختراع عکاسی در زمانی پدید آمد که مکتب رئالیسم (واقعیت گرایی) در نقاشی و ادبیات، تازه جانی به خود گرفته بود. کوربه^۴ مدار هنر رئالیست در نقاشی و بالزاک بنیان‌گذار رئالیست در ادبیات بودند و جهان هنر و ادبیات و همچنین نمایش و موسیقی را تحت تاثیر خود قرار دادند.

از آنجایی که شبیه سازی در مکتب رئالیسم (عین آن چیزی که در طبیعت یا مردم دیده می‌شود) اصل اساسی در مکتب رئالیسم به حساب می‌آید، اختراع عکس بی شک کمک فراوانی به این مکتب می‌نمود اما به دلیل دشمنی بعضی از افراد نقاش با دلایلی که عکاس ((دیده فریبی))^۵ است و یا نقاش را وادار به تنبلی می‌کند، یا تقلید صد در صد از یک برش طبیعت یا پرتره باعث می‌شود که فرد خالق، دستی در کار نبرده احساس اصلی هنرمند انتقال پیدا نکند و از این قبیل... باعث شد تا نزاعی سخت بین نقاشان و عکاسان درگیرد.

نقاشان سعی کردند که خط و مسیر خود را با تکنیک‌های نقاشی به سوی دیگری کشانند، از این رو تاریخ پیدایش مکاتب نقاشی مدرن (مانند امپرسیونیسم و سورئالیسم و غیره...) بعد از تاریخ رئالیسم در نقاشی قرار گرفت، که البته در عکاسی نیز چنان که خواهیم دید بی‌تاثیر نبود.

دنیای تصویری

فوکس تالبوت پس از به دست آوردن پرتیو و نگاتیو چاپ عکس روی کاغذ به صورت تکثیر از یک نسخه عکس‌های تصویری (مانند نقاشی) بسیار به وجود آورد. (عکس شماره ۲) با به وجود آمدن کمرا^۶ یا دوربین، آراگو دانشمند فرانسوی به مجلس



۲- لنکر جیمز مود. سر نرون کاستل. ۱۸۵۵.

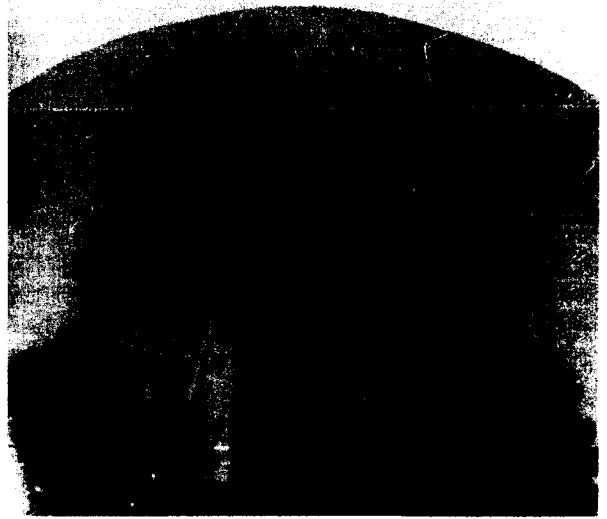
شورا در آن زمان اعلام کرد ((آقای داگر دستگاهی جهت طراحی اختراع کردند))؛ چنان که بعداً خواهیم دید، حتی از نظر استادان آغازین عکاسی نیز دوربین وسیله‌ای بود برای کمک کردن به نقاشی، و عکاسی از چیزهای شبیه به نقاشی نیز بسیار کمک جست.

اولین کتاب تالبوت که در واقع اولین کتاب عکس در جهان محسوب می‌شود به نام ((مداد طبیعت)) خواهان بسیاری را به خود جلب کرد. این کتاب حاوی ۲۴ نمونه عکس از معماری و طبیعت بی جان بود، کتاب دوم به نام ((تصاویر خورشیدی اسکاتلندی)) نقاشان را نیز حیرت زده کرد.

در سال ۱۸۵۵ عده بسیاری از نقاشان به هنر تصویرسازی با عکس روی آوردند، از جمله ویلیامز^۱ سر نرون کاستل^۱، رچلندر^{۱۱}، رابرت آدامسون^{۱۲} و دیو اکتاویس هیل^{۱۳} را می‌توان نام برد.

عکس‌های سر نرون کاستل (عکس شماره ۳) که از ساحل جیمز مود گرفته است همان تصویرگرایی نقاشی‌های ترنر است، با همان اسلوب خاص خود، با این تفاوت که عکاسی است. مطالعات عکاسی ویلیامز بر روی پیکرهای شبیه نقاشی و حتی کادری مانند کادرهای نقاشان دوره رنسانس (رافائل و میکل آنژ) به صورت هلالی و یا دایره و همچنین مطالعات ((رچلندر)) با همان ترکیبات نقاشی قابل تعمق است، رچلندر و کاستل هر دو نقاش چهره بودند، رچلندر عکس معروف ((دو راه زندگی)) را با مونتاژهای بسیار دقیق از ۳۰ نگاتیو به وجود آورد که هنوز جزء شگفتی‌های عکاسی تصویرگرایی یا پیکتورال محسوب می‌شود. رچلندر از سوی منتقدین به عنوان ((پدر عکاس هنری)) شناخته شد، ۶۰۰ هزار کلیشه که کادری برابر با ۲۴×۳۰ داشتند از کارهای رچلندر بودند (عکس شماره ۴).

رابرت آدامسون (۱۸۲۱-۱۸۴۸) تحصیلات مهندسی خود را رها کرد و به عکاسی (به خصوص قسمت شیمی عکاسی) روی آورد. در سال ۱۸۴۲ با نقاش منظره‌سازی که گویا از شاگردان ترنر نیز بود آشنا شد، همکاری اکتاویوس هیل و آدامسون به مدت ۵ سال طول نکشید، بیش از ۱۵۰۰ نگاتیو و عکس [به صورت‌های کالوتیپ (نگاتیو و پزتیو) و داگرتوتیپ] تهیه شده بود. آدامسون خیلی زود در اثر بیماری مرد، ولی هیل به عکاسی ادامه داد. سفارش کار برای کلیسای آزاد اسکاتلند هیل را برآن داشت تا ۵ سال عکاسی کند و عکس‌ها را جهت استفاده در نقاشی بسیار تصویرسازانه گرفت. سوژه‌های عکس‌های او را خدمه و افراد داخل کلیسا تشکیل می‌دادند و به صورتی از آنان عکاسی شد که درون نقاشی باید به کار می‌رفتند، به



۴ - مطالعه هنری. رچلندر. ۱۸۵۸.

۵ - برای نقاشی کلیسای آزاد. هیل و آدامسون. ۱۸۴۶.



همین علت موفقیت او در عکاسی هنوز جزء شاهکارهای تصویرگرایی در عکاسی به حساب می آید.

هیل و آدامسون چنان عکاسی کردند که چیزی از نقاشی آن روزگار کم نداشت، زمان نوردهی هر عکس ۲۰ ثانیه بود و این زمان، زمان بسیار زیادی محسوب می شود؛ تنبلی امولسیون و حساسیت پایین و ظهور در شرایط بسیار ناهنجار باعث می شود که عکس ها کمی محو درآیند ولی همین محوی در کیفیت اثر به صورت نقاشی، کمک فراوانی می کرد (عکس شماره ۵).



۶ - گذشته شاه ارتور.
جولیا مارگارت کامرون. ۱۸۷۹

استانفلید نقاش مشهور ۱۸۵۰، کارهای هیل را در حد رامبراند (نقاش هلندی) می دانست و ترنر نقاش معروف مناظر وقتی کارهای هیل را دید، چنین گفت: ((این پایان نقاشی است و خوشحالم که فرصت نقاشی کردن را داشتم)) این گفته دو سال قبل از مرگ ترنر در یکی از مجلات هنری چاپ شد.

نقاشی های هیل، هیچ گاه به جاودانگی عکس هایش نرسیدند، رقیب او در آن سال ها نادار (معروف به عکاسی از مشاهیر) بود، نادار از عکس های هیل انتقاد می کرد، چون نگاه افراد در عکس های هیل به سمت دوربین نبود و این نکته قابل توجه و جالب در مورد این عکس ها است.

در عکس های هیل سوژه ها طوری تصویرسازی شده بودند که کمبود نگاه به روبه رو حس نمی شود، ولی چرا؟ ((دو تندی پیر)) در مورد عکس های هیل چنین می نویسد: ((در ابتدا جرات نمی کردیم زیاد به عکس هایی که [هیل] می گرفت نگاه کنیم، واقعی بودن تصاویر این انسان ها، ما را می ترساند و گمان می کردیم که چهره های کوچک و ریز آدم هایی که بر صفحه نقره اندود نقش شده اند قادرند به نوبه خود ما را ببینند، زیرا نخستین داگرتیپ ها به طرز حیرت آوری واقعی و مطابق با آنچه دیده می شد، بودند و همین امر همه را گیج و متحیر می کرد!)) و در واقع مشتری را آزرده خاطر می ساخت!

اذعان به این موضوع که عکاسی هنری بود، که نقاشان را به فکر خطر نقاشی در مقابل عکاسی وادار کرد تا کلیسا را بر علیه عکاسی به شورانند، کلیسا نیز از نقاشی حمایت کرد! به نقل از والتر بنیامین، روزنامه تندرو افرایمی آلمان در ۱۸۴۵ مقاله ای تحت عنوان ((هنر شیطنانی)) نوشت، در این مقاله چنین می خوانیم: ((ثبت کردن تصاویر گذرا و گریزنده آینه وار، نه فقط امری است ناممکن، که دانشمندان بلندپایه آلمانی با قاطعیت، [نه تنها] امکان تحقق یافتنش را مردود شمرده اند، بلکه نفس مطرح ساختن چنین پروژه ای خود عملی کفرآمیز محسوب می شود. خداوند انسان را به صورت شبیه خویش آفریده است و هرگز نمی توان چنین صورتی را به وسیله ابزار مصنوع بشر (اشاره به عکاسی) ضبط کرد. نهایت این است که هنرمند نظرکرده خداوند، با الهام از موهبتی آسمانی (حس زیبادوستی) می تواند بکوشد تا به لطف باری تعالی و با تبعیت از نبوغ خویش، خطوط الهی و بشری، چهره انسان را به مدد هیچ دستگاهی به تصویر درآورد!))

اما همچنان تعداد عکاسان زیاد شد و گویا ممنوع کردن آن نیز انسان های دیگری را ترغیب به امر عکاسی نمود، از جمله عکاسان معروف که به عکاسی پیکتورال روی آورد و موضوعاتی پیرامون مذهب و داستان های اساطیری ساخت می توان جولیا مارگارت کامرون (۱۸۱۵-۷۹) را نام برد.

جولیا مارگارت کامرون در سن ۴۸ سالگی با دریافت هدیه ای که دخترش به او داد و آن هدیه چیزی نبود به جز دوربین و اسباب ظهور، از ۱۸۶۰ شروع به عکاسی کرد، در سن ۴۹ سالگی بهترین عکسش را گرفت، او جزء خانواده اشرافی خاندان ((بلومزبری)) بود و امکان هرگونه تصویرسازی و شبیه سازی برایش فراهم می شد. در منزل خود زغال دانی را اتاق تاریک و مرغ دانی را به استودیوی عکاسی



۷ - مری هیلبر.
جولیا مارگارت کامرون. ۱۸۸۹



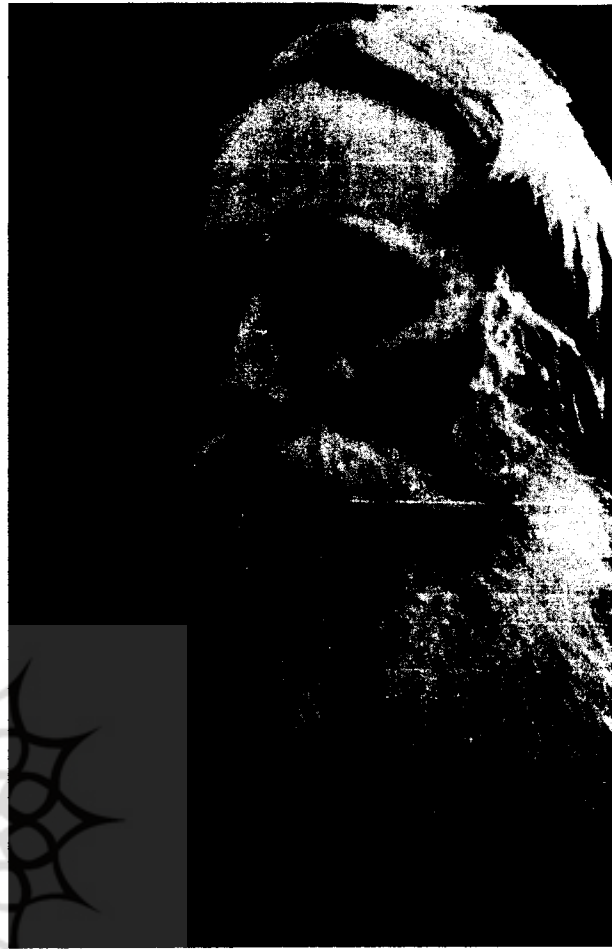
۸ - مری هیلین. جولیا مارگارت کامرون. ۱۸۸۷.



۹ - سلف پرترة خود جولیا مارگارت کامرون ، با نام جولیا مارگارت کامرون و آهنک. اتید. ۱۸۷۰.

جولیا مارگارت کامرون در سن ۴۸ سالگی با دریافت هدیه ای که دخترش به او داد و آن هدیه چیزی نبود به جز دوربین و اسباب ظهور، از ۱۸۶۰ شروع به عکاسی کرد، در سن ۴۹ سالگی بهترین عکسش را گرفت، او جزء خانواده اشرافی خاندان ((بلومزبری)) بود و امکان هرگونه تصویرسازی و شبیه سازی برایش فراهم می شد. در منزل خود زغال دانی را اتاق تاریک و مرغ دانی را به استودیوی عکاسی تبدیل نمود و از خدمه خود به صورت اساطیر و یا داستان های دینی عکس برداری کرد، خدمه ها به عنوان سوژه داستان پردازانه کامرون درآمدند، استفاده از نور، محوی کار و انتخاب چهره برای سوژه های داستانی در پیکتورال های او تاثیر فراوان گذاشت (عکس های شماره ۶، ۷، ۸، و ۹).

((جی - اف - واتس)) نقاش و داستان پرداز، کامرون را به قهرمان پرستی زنانه متهم ساخت. کامرون در مورد شخصیت هایش چنین می گوید: ((هرگاه از این اشخاص، در مقابل دوربین خود داشتیم، از صمیم قلب می خواستیم وظیفه خود را انجام دهم و خطوط ظاهری چهره و حالات درونی آنها را آشکار سازم.))



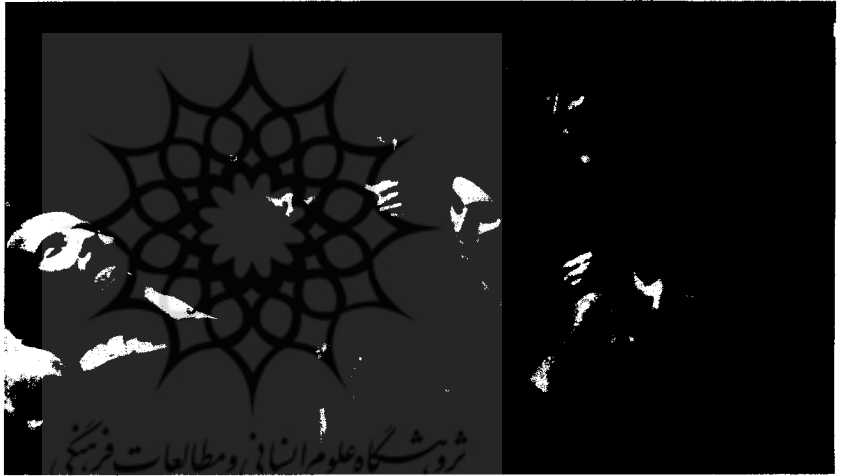
۱۰ - سر هنری تیلور. جولیا مارگارت کامرون. ۱۸۶۷.

کارهای او به روش کلودین تر مورد پسند هنرمندان بزرگ و حتی دانشمندان قرار گرفت و آنان را ترغیب نمود تا از خود عکسی به یادگار بگیرند، که البته عکاس آن، کامرون باشد، از این جمله، هرشل، داروین، سر هنری تیلور (عکس شماره ۱۰) را می توان نام برد، کارهای کامرون را ((هنری خدایی)) خواندند. کامرون بیش تر عکس های خود را از ((مری هیلیر)) خدمتکار، گرفت (عکس شماره ۷ و ۸). کامرون تاکید روی مذهب گرایی در کار خود دارد، از این نمونه مذهب گرایی در کارهایی نظیر کارهای یوجین اسمیت ۱۶ (مرگ پدر - اسپانیا ۱۹۳۹ - عکس شماره ۱۱) و جوزف کودلکا ۱۷ (مرگ یک کولی - عکس شماره ۱۲ - مجارستان ۱۹۶۰) و دون میکلز ۱۸ (ترک کردن روح از بدن - ۱۹۶۹ - عکس شماره ۱۳) را می توان نام برد.

اما فرق تصویرگرایی کامرون با تصاویر سه تن یادشده، آن است که کامرون تصاویر خود را چنان یک نقاش، یا محتوایی نقاشانه و ساختار یک نقاش (کمپوسیون - نور - رنگ و غیره...) به کار می برد. ولی در عکس های مستند اسمیت و کودلکا و یا عکس تروکاژی دون مایکلز به خوبی عنصر عکاسی (نه نقاشی) حس می شود، هم کامرون و هم عکاسان یادشده از موضوعی واحد به نام ((روحانیت و مذهب گرایی)) در انسان ها، عکاسی کردند، اما تفسیر عکس ها نشان می دهند که تصویرگرایی در قرن بیستم به صورت عکاسانه، کاملاً متفاوت با تصویرگرایی در قرن نوزدهم (به صورت نقاشانه) است.



۱۱ - مرگ پدر . یوجین اسمیت . اسپانیا . ۱۹۳۹ .



۱۲ - مرگ یک کولی . یوزف کودلکا . ۱۹۶۰ .



۱۳ - ترک کردن روح از بدن . دون مایکلز . ۱۹۶۹ .



۱۴- در حال نزع. هنری پیچ رابینسون. ۱۸۵۰. (مونتاژ با ۶ نکاتیو)

اما فرق تصویرگرایی کامرون با تصاویر سه تن یادشده، آن است که کامرون تصاویر خود را چنان یک نقاش، یا محتوایی نقاشانه و ساختار یک نقاش (کمپوزیون - نور - رنگ و غیره...) به کار می برد. ولی در عکس های مستند اسمیت و کودلکا و یا عکس تروکاژی دون مایکلز به خوبی عنصر عکاسی (نه نقاشی) حس می شود، هم کامرون و هم عکاسان یادشده از موضوعی واحد به نام ((روحانیت و مذهب گرایی)) در انسان ها، عکاسی کردند، اما تفسیر عکس ها نشان می دهند که تصویرگرایی در قرن بیستم به صورت عکاساته، کاملاً متفاوت با تصویرگرایی در قرن نوزدهم (به صورت نقاشانه) است.

هنری پیچ رابینسون

وقتی واژه پیکتورالیسم را در عکاسی به کار می بریم، عکاسان مطلع و علاقه مند ناخودآگاه، نام هنری پیچ رابینسون ۱۹ (۱۸۳۰ تا ۱۹۰۱) را به یاد می آورند. کتاب او ((مفاهیم تصویری در عکاسی)) ۲۰ مشهور خاص و عام آن زمان شد. در این کتاب رابینسون راجع به هنری بودن عکاسی و در باره چگونگی عکاسی هنری بحث کرده است، در واقع کارهای چاپ شده رابینسون رقابت عکاسی با نقاشی را نشان می دهد، استعمال کلمه Pictorialism توسط مردم اروپا بعد از انتشار کتاب رابینسون به کار رفت.

رابینسون به تبعیت از رجنلدر، عکس های خود را از چند نکاتیو به وجود می آورد. در عکس معروف ((در حال نزع)) که با ۶ نکاتیو ساخته شده است، تصاویر جدا جدا گرفته شد و آنگاه با یک ترکیب بندی کاملاً نقاشانه در کنار هم قرار گرفته است (عکس شماره ۱۴).



۱۷ - کودکان در حال مطالعه. پیچ رابینسون. ۱۸۶۰



۱۶ - کل و دختر. پیچ رابینسون. ۱۸۸۰. (مونتاز با ۲ نکاتیو)



۱۵ - خستگی یک روز بعد از ظهر. پیچ رابینسون. ۱۸۷۹. (مونتاز با ۵ نکاتیو)

رابینسون با این عمل در کار عکاسی، تصاویری بسیار زیبا به وجود آورد. به کار بردن مونتاز در عکاسی بسیاری از عکاسان را وادار به دفاع از صداقت عکاسی کرد و نقاشان را نیز ترغیب به دفاع از نقاشی نمود، که عکاسی آنچنان که می گویند عین واقعیت جلو دوربین نیست. اما چیزی از هنر عکاسی رابینسون کم نشد (عکس های شماره ۱۵، ۱۶ و ۱۷).



۱۸ - فرق نمایان. روبرت دوماشی. ۱۹۰۴.



شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

حتی عکاسانی چون پیتر هنری امرسون ۲۱ (۱۸۵۶-۱۸۳۶) را تشویق نمود تا در ۱۸۸۶ عکاسی را یک هنر تصویری بدانند. کتاب امرسون ((نتیجه افکار قیمتی و نابهنگام)) بر ضد عکاسی ای است ((که هر چیز را در میدان دید دوربین می بینند و با دقت کافی به یک شکل عکس می گیرد، چشم به آن شکل، آن اشیاء را نمی بیند، خطوط مشخصی ندارد، لکه هایی کم و بیش تاریک و کم و بیش واضح است در طبیعت باید استاندارد هنرمند باشد و...)) ۲۲ افکار امرسون به سویی است، که عکاسی را یک هنر مستقل بدانند اما موفقیت او در این کار بسیار کم بود.

تأثیراتی که امرسون، رابینسون و کامرون در تصویرگرایی عکاسی گذاردند، تا ۱۹۲۰ میلادی ادامه یافت و عکاسان مانند روبرت دوماشی ۲۳ (۱۸۵۹-۱۹۳۸) فرانسوی و کامیل پویو ۲۴ (۱۸۵۷-۱۹۳۳) و جرج داویسون ۲۵ (۱۸۵۸-۱۹۳۰) همچنین ((عکاسان انفصالی)) را به خود جذب کرد. در زمانی که این عکاسان فعالیت می کردند مکتب امپرسیونیست و سورامپرسیونیست توسط نقاشانی چون سسیل، مونه، ماند، رنوار، سورا و پیسارو روی کار آمد و طرفدارانی را به خود جذب کرد. روبرت دوماشی عکاس فرانسوی از روش کاغذ و مرکب های چرب عکس هایی به صورت امپرسیونیسم به وجود آورد، از عکس های مشهور او ((دو فرق میان)) (عکس شماره ۱۸)، دختر فرق باز را می توان نام برد.



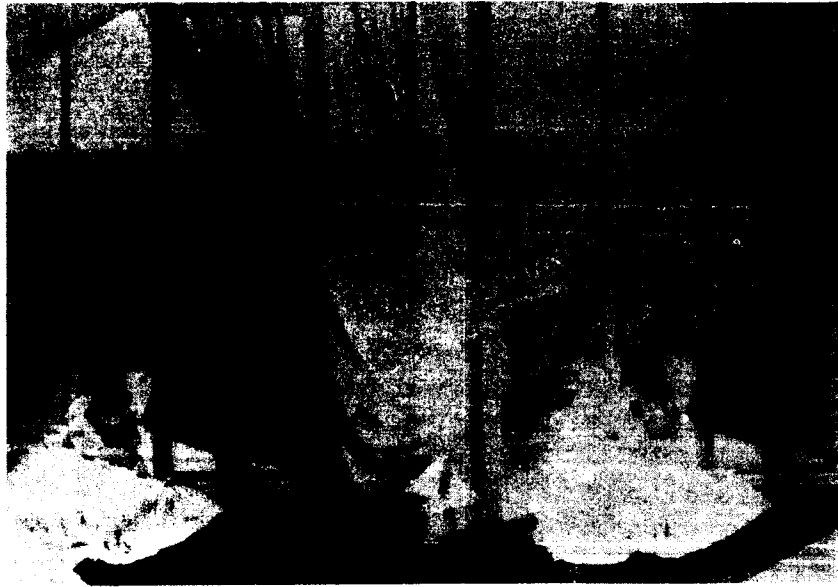
۲۰ - دوربین قهوه‌ای.
عکسی از کارخانه کداک، ۱۸۹۰.

۱۹ - جرج داویسون، ۱۹۰۳.



عکس‌های جرج داویسون نیز همانند نقاشی امپرسیونیسم کار شده بود، وی اولین کسی بود که ((انجمن جهانی عکاسان تصویری)) را در انگلستان تأسیس کرد. عکس‌های داویسون (عکس شماره ۱۹) و دوماشی، عکاسان آمریکایی را بسیار به خود جذب کرد. چنان‌که خواهیم دید دوران تصویرگرایی عکاسی به صورت نقاشی توسط همین عکاسان برچیده شد و جای آن را تصویرگرایی عکاسانه گرفت.

در زمانی که عکاسی پیکتورال در اروپا انجام می‌شود دوربین‌های قهوه‌ای کداک به بازار آمد، این دوربین‌ها قابلیت حمل در همه جا را داشتند، قطع فیلم‌ها کوچک و به صورت ریلی عرضه می‌شود، تبلیغات کداک بر روی دوربین قهوه‌ای در روزنامه‌های جهان چاپ شد، عکس تبلیغ مشهور کداک، دخترچه‌ای را نشان می‌دهد که به همراه دوربین قهوه‌ای در کنار ساحل یک دریا ایستاده است (عکس شماره ۲۰). این عکس نشان‌دهنده عکاسی صریح و آسان در همه جا است، عکاسی در سال ۱۸۹۰ می‌رفت تا همه گیر شود و همه خانواده‌ها می‌توانستند از عکاسی و عکس استفاده کنند.



۲۱- نمونه استریوگراف

(عکس برجسته). لیدی هاوارد. ۱۸۶۰.

عکس های سه بعدی (عکاسی برجسته)

تصویرسازی در عکس و عکاسی به صورت های بسیاری انجام می شد اما در رقابت با نقاشی عکاسی گام را فراتر از این نهاد. ایجاد تصاویر سه بعدی رقابت با تصویر دوبعدی نقاشی و طراحی، گام بزرگی در تاریخ محسوب می شود، نمونه تصویر سه بعدی از لیدی هاوارد (۱۸۶۰) از این جمله است (عکس شماره ۲۱). اساس کار استریوگرافی همان اختلاف منظر چشم انسان است، انسان به واسطه دارا بودن دو چشم و اختلاف منظر و تطابق همان تصویر (از چشم) در مغز (بص النخاع) موجب می شود تا ما یک حجم را سه بعدی ببینیم، اما در تصاویر دوبعدی به وسیله توهم و پرسپکتیو این کار انجام می شود؛ در عکاسی سه بعدی که با دو لنز، دو تصویر همزمان از یک سوژه گرفته می شود، اگر چنانچه با دوربین مخصوص (استروسکوپ) و یا لنزهای مخصوص (که مانند عینک) هستند، این دو تصویر، جداگانه به وسیله دو چشم، به صورت مجزا دیده شوند، کاملاً سه بعدی به نظر خواهند آمد.

(اشاره: اولین بار لئوناردو داوینچی و ژ - پ - دلاپورتا ۲۶ به مسئله اختلاف منظر دو چشم اشاره کردند. در قرن شانزدهم ((جالز ویتسون)) ۲۷ (در سال ۱۸۲۸) دستگاه استریوسکوپ که به معنی ((جامد و دیدن)) بود را اختراع کرد، ولی اولین بار دانیل برسترو ۲۸ که دوست هیل و تالبوت بود، دستگاه دوربین عکسبرداری استریوگراف را تکمیل کرد. جالب اینجاست که تصاویر استریوگراف آنقدر عجیب و شگفت انگیز به نظر می رسید که شرکت های سازنده وسایل عکاسی را تشویق به ساخت این دوربین (استریوسکوپ) کرد. در سال ۱۸۵۸ بیش از ۹ میلیون دستگاه استریوسکوپ در اروپا و آمریکا وجود داشت! بودلر ادیب معروف فرانسوی ۱۸۵۹ گفته بود ((هزاران چشم حریص از سوراخ های استریوسکوپ به بی نهایت می نگرند)). ۲۹.

عکاسی در دوران امپرسیونیسم (در نقاشی) پیشرفت آنچنانی نداشت، عکاسان بیش تر مشتاق به وضوح تصویر بودند تا محو کردن عمدی، با به کارگیری امولسیون صمغی و یا چربی (برای به دست آوردن عکس نقاشانه) به همین دلیل دوران تصویرگرایی نقاشی گونه عکس از سال ۱۹۰۰ در اروپا رو به کاهش نهاد و با پیشرفت صنعت عکاسی در اروپا عکاسان به سمت و سوی وضوح تصویر گام برداشتند.



۲۲- ماهیگیران ویتنی. فرانک - ام - استاکلیف. ۱۹۰۰.

میراث ((عکاسی ناتورا لیستی)) امرسون در فراهم آوردن موقعیت هایی برای بازگشت به تصاویر بسیار دقیق حاصل از عکاسی، بسیار مهم بودند. و تاثیر این کار در تلاش های چندین عکاس در طول اولین سال های قرن بیستم در اروپا آشکار باقی ماند از آن جمله می توان ((فرانک میدواستاکلیف)) ۳۰ (۱۸۵۳-۱۹۴۱) عکاس اهل انگلستان، با عکس معروف ماهیگیران لنگر ویتنی (عکس شماره ۲۲) و سر بنجامین استون ۳۱ و اوژن آتزه ۳۲ را نام برد.

اژن آتزه در بی خبری کامل از نبوغ خود مرد، عکس هایش مورد پسند سورتالیست های (۱۹۲۰ به بعد) قرار گرفت. سورتالیست ها عکس های آتزه را که خالی از انسان عکسبرداری شده بود و می بایست صحنه پشت مدل نقاشان را تشکیل می داد، اعجاب برانگیزترین عکس های آن زمان خواندند، به زعم آنان، عکس های آتزه خبر از یک جنایت در حال اتفاق را بیان می دارد!



۲۲ - پاریس، آلفرد استگلitz. حدود ۱۹۰۲.

عکاسان انفصالی Photo Seccesione

هم‌زمان با رکود پیکتورالیسم در اروپا، عده‌ای در آمریکا جذب عکاسی تصویرگرایانه شدند. اینان که اکثراً از مهاجران اروپایی بودند، توسعه عکاسی هنری را در آمریکا وظیفه خود می‌دانستند.

آلفرد استگلitz ۳۳ (۱۸۶۴-۱۹۴۶) از آلمان به آمریکا رفت، او پیرو اصول عکاسان پیکتورالیسم در اروپا بود، وی در کمراکلوپ نیویورک (در سال ۱۹۰۲) عکاسانی را گرد هم آورد تا اتحادیه عکاسان هنری، جدایی از عکاسان وضوح طلب را تشکیل بدهد، به همین علت نام اتحادیه خود را ((عکاسان انفصالی)) یا فتوسشن نهاد. کارهای عکاسی این اتحادیه در نشریه‌ای به نام ((کمراورک)) ۲۴ به چاپ رسید و طرفداران بسیاری را به سوی خود جلب نمود (عکس شماره ۲۳).

کلارنس وایت، ۲۵ ژرتروود کاسبیر، ۲۶ الوین لانگدون کابورن، ۲۷ جی - کریچ آنان ۲۸ و ادوارد اشتایخن ۲۹ افرادی بودند که اتحادیه عکاسان انفصالی را تشکیل دادند.

کلارنس وایت عکس‌هایی روی کاغذ پلاتین چاپ کرد کارهای او بی‌شباهت به کارهای ((دگای)) نقاش نبودند (عکس شماره ۲۴). کاسبیر از مجامع خانوادگی عکس می‌گرفت. کابرن کارهایی شبیه به آثار کوبیسمی در نقاشی را با عکاسی آرایه داد، آرایه کارهای کابرن را ارتوگرافی نام گذاشتند. ((آنان)) و اشتایخن نیز در رده عکاسانی بودند که از افراد مشهور و مراسم جالب توجه عکس می‌گرفتند (عکس شماره ۲۵).



۲۴ - تاس کرد. کلارنس وایت. ۱۹۰۲.



۲۵ - پاریس. یک مراسم در جایگاهی سرپوشیده. ادوارد اشتایخن

۱۹۰۵ در خیابان پنجم نیویورک شماره ۲۹۱ توسط عکاسان انحصالی دو اتاق اجاره شد و گالری نمایش عکس‌های خود را در این دو اتاق برپا کردند. علاوه بر کارهای عکاسی، کارهای هنرمندان بزرگ آن زمان در آمریکا و اروپا نیز، در همین گالری (۲۹۱) به نمایش درآمد و باعث شهرت و اعتبار گالری گردید، کارهایی از رودن، پیکاسو، تولوز لوترک، روسو، سزان، ماتیس و براک و بعضی از کارهای نقاشی ژاپنی و حجاری‌های سیاهان در این گالری به نمایش درآمد.

در ۱۹۱۰ ((آلبرایت آرت گالری بوفالو)) ۴۰ درهای خود را به روی فتوشش گشود و عکاسی را به عنوان یک کار صد در صد هنری و مستقل پذیرفت.

در ۱۹۱۲ استگلیتز و اشتایخن به وضوح تصویر بازگشتند. اشتایخن خود را یک فتوژورنالیسم معرفی کرد، او به صداقت بی‌پرده عکاسی اشاره زیادی داشت و عکاسان زیادی را تشویق به عکاسی مستند نمود. در سال ۱۹۵۵ نمایشگاه ((خانواده بشر)) را که با حضور ۵۰۳ عکس از عکاسان معروف سراسر جهان بودند را برگزار کرد.

از سال ۱۹۱۲ به بعد عکاسان به ماهیت عکاسی به عنوان یک هنر مستقل ایمان آورده بودند. آلبرت رنرگپاتش ۴۱ (۱۸۹۷-۱۹۶۶) در کتاب ((دنیا زیباست)) نوشت:

((به ما اجازه بدهید که نقاشی را به نقاشان واگذاریم، اجازه بدهید تلاش نماییم تصاویر را با روش‌های عکاسی ایجاد کنیم که بدون اقتباس از نقاشی... می‌توانند خودشان به وسیله هم کامل شوند.))

پی نوشت ها:

1. Josef Nicephore Niepce
2. Camera
3. Figurative art
4. Ambrotype
5. G. Gourbet
6. Trompe Lo'eil
7. William Henry Fox Talbot
8. Camera
9. Arago
10. T. R. Williams
11. Sir Neron Castel
12. O. G. Reglander
13. R. Adamson
14. David. Octavius. Hill
15. Jullia Margarette Cameron
16. W. Eagine Smith
17. Josef Koudelka
18. Duane Michals
19. Henri Peach Robinson
20. Pictorial Affect In Photography
21. P. H. Emerson

۲۲. تاریخچه عکاسی، ترجمه و تنظیم دکتر داریوش گل کلاب، ص ۷۱.

23. Robert Demachy
24. Camille Puyo
25. George Davison
26. G. B. Delaporta
27. G. Wheatstone
28. Daniel Brewster

۲۹. کتاب تاریخچه عکاسی - دکتر داریوش گل کلاب، ص ۱۲۵.

30. Frank Meadow Sutcliffe
31. Sir Benjamin Stone
32. E. Atget
33. Alfred Stiglitz (1864-1946)
34. Camera Work
35. Clarence H. White
36. Gertube Kasebier
37. Alvin Langbon Coburn
38. James Graig Annan
39. Edward Steichen
40. Albright Art Gallery Buffalo
41. Albert Renger Potzch

منابع و مأخذ:

- ۱- تاریخچه عکاسی، نوشته و ناشر دکتر داریوش گل کلاب، ۱۳۶۳.
- ۲- عکاسی در قرن بیستم، نوشته پطرتاسک، ترجمه محمد ستاری، نشر نیما، چاپ اول، ۱۳۶۸.
- ۳- عکاسی و عکاسان، بهمن جلالی، وازریک ورساهاکیان، انتشارات سروش.
- ۴- هنر عکاسی، آرون شارف، ترجمه حسن زاهدی، انتشارات سینمای جوان (عکس).
- ۵- مجله عکس مهر ۱۳۷۶.

- 6- Photography Until Now, John Szarkowski, The Museum of Modern Art, New York, New York, 1989.
- 7- The History of Photography, B. Newhall, The Museum of Modern Art, New York, 1964.
- 8- The Story of Photograph, Michel John Langford, London: Focal Press, 1980.
- 9- The Dcumentry Photography, Time Life Photography, London.

